



مسئله ترس از موقعیت سیاسی در دانشگاه

حامد طاهری کیا^۱

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۰۳؛ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵

چکیده

مقاله حاضر به مسئله تجربه ترس از رویارویی با موقعیت سیاسی در دانشگاه می‌پردازد. دانشگاه ایرانی از ابتدای تأسیس خود تا به امروز همواره با موقعیت و گفتمان سیاسی حاکم درگیر بوده است. در پژوهش‌هایی که پیرامون این مسئله انجام شده است بیشتر رویکرد تاریخی در نظر گرفته شده و تاکنون بررسی عمیق و کیفی مناسبی در این زمینه در دوران معاصر صورت نگرفته است. به این ترتیب، بررسی موقعیت سیاسی در دانشگاه با مقتضیات زمان حال پیوند می‌خورد. پژوهش حاضر بعد از رخداد ۱۳۸۸، و برخوردهای امنیتی که با دانشجویان شد، انجام گرفت. بنابراین، برای دانشجویان، تجربه موقعیت سیاسی با رجوع به وقایع آن دوران با ترس و سرخوردگی همراه است. به همین منظور، با بررسی سه دانشگاه امیرکبیر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به بررسی مفهوم ترس از موقعیت سیاسی در دانشگاه پرداخته‌ایم. پنجاه مصاحبه از دانشجویان فعال سیاسی، از طیف‌های مختلف، و غیرفعال گرفته شده است و در تلاش بوده‌ایم به پرسش‌های «مفهوم ترس از موقعیت سیاسی برای دانشجویان چگونه معنی پیدا می‌کند؟» و «دانشجویان فعال سیاسی چگونه با آن روبه‌رو شده‌اند؟»، پاسخ دهیم. در نتیجه‌گیری آمده است که خانواده‌ها مهم‌ترین منبع ایجاد ترس برای فرزندان به منظور دورکردن آنان از موقعیت‌های سیاسی‌اند. خانواده‌ها نگران آینده فرزند خود برای یافتن کار و ادامه تحصیل‌اند. بنابراین، دانشجویان هم، در طول زندگی روزمره خود، در دانشگاه به یکدیگر نسبت به کنش سیاسی هشدار می‌دهند. اما دانشجویانی که از دروازه ترس عبور، و درگیری با موقعیت سیاسی را تجربه کرده‌اند، همانند غربالی برای ترغیب و برانگیختن دانشجویان برای عبور از ترس خود در برابر موقعیت سیاسی عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ترس، سوژه سیاسی، دانشگاه، دانشجو، موقعیت سیاسی

۱. دانش‌آموخته دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم اجتماعی، تهران، ایران.

✉ kia.erhut@gmail.com

۱. مقدمه

مسئله پیوند سیاست و دانشگاه در تاریخ سیاسی ایران از دوره پهلوی اول به این سو پدیده جدیدی نیست و با تغییر گفتمان‌های سیاسی شکل موقعیت سیاسی دانشگاه هم تغییر کرده است. دانشگاه اهرمی بسیار تأثیرگذار در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ بود و بعد از آن نیز همین دانشگاه به سنگری برای مبارزه نیروهای مارکسیستی با انقلاب نوپای ۵۷، تبدیل شد. به همین سبب، دانشگاه باید از عناصر وفادار به غرب و شرق پاک‌سازی می‌شد که حاصل آن تسخیر دانشگاه در اردیبهشت ۱۳۵۹، توسط دانشجویان مسلمان و ورود دانشگاه به انقلاب فرهنگی بود (رضایی، کاظمی، و طاهری کیا، ۱۳۹۶، ۱۹۳).

پژوهش‌های انجام شده در حوزه موقعیت سیاسی و دانشگاه بیشتر دارای رویکرد تاریخی و به شیوه تحلیل گفتمان است (نخعی، ۱۳۹۰؛ امام‌جمعه‌زاده و نجات‌پور، ۱۳۸۹؛ کچویان و کلانتری، ۱۳۹۳؛ شیرودی، ۱۳۹۱). این پژوهش‌ها دوره‌های مختلف جنبش دانشجویی را بررسی کرده‌اند و آنهایی که درباره بعد از انقلاب است تمرکز ویژه‌ای بر بررسی تحولات دفتر تحکیم وحدت (سجادی، ۱۳۸۹؛ محمدی و محبوبی، ۱۳۹۱) داشته‌اند. اما دسته‌ای دیگر نیز به جنبش‌های دانشجویی متأخر پرداخته (جلانی‌پور، ۱۳۸۹؛ سالار کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۹۰؛ کتابی، وحید، و قاسمی، ۱۳۸۰) که رویکرد آنها کمی است و همچنان از خلأ پژوهشی مشخص و متمرکز بر رویکرد کیفی به‌منظور فهم زیست‌جهان سوژه‌های سیاسی در دانشگاه مغفول مانده است.^۱

در مقاله‌های خارجی که پیرامون موقعیت سیاسی و دانشگاه در ایران کار کرده‌اند باید به پژوهش‌های رضوی^۲ (۲۰۰۹) و گلکار^۳ (۲۰۱۲) اشاره کرد که به مسئله انقلاب فرهنگی در دانشگاه پرداخته‌اند. در همین زمینه نیز گلکار (۲۰۱۲، ۲۰۱۵) به فرایند اسلامی‌کردن



۱. البته کاشی (۱۳۸۵) پژوهشی را پیرامون مسئله دانشجویان و زندگی روزمره او با موقعیت سیاسی انجام داده است. در این پژوهش، ساختار دانشگاه از شکل جذب اعضای هیئت علمی تا روابط دختر و پسر بررسی می‌شود. کاشی تلاش دارد تا امر سیاسی را در تار و پود گفتمان انقلابی دانشگاه بررسی کند. همچنین، روابط زندگی روزمره دانشجویی نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌گذاری فرهنگی در دانشگاه توسط دانشجویان به چالش کشیده می‌شود؛ بنابراین با شکلی از موقعیت سیاسی مواجه‌ایم که در هر جای پژوهش اثرات سیاست مهندسی فرهنگی و چالش‌های آن را مشاهده می‌کنیم. اما همچنان مسئله تمرکز بر تجربه رو به‌رو شدن با موقعیت سیاسی و کنش سیاسی جزء اهداف پژوهش حاضر نبوده است.

2. Razavi

3. Golkar

دانشگاه توجه دارد و مسئله نیروی بسیج در دانشگاه را بررسی می‌کند. همچنین، محمدی^۱ (۲۰۰۷) نیز با به‌کارگیری شیوه تحلیل گفتمان در پی بررسی جنبش دانشجویی ایران در جامعه پساانقلابی ایران است.

بر اساس پژوهش‌های انجام شده، همچنان این مسئله باقی است که موقعیت سیاسی در دانشگاه چگونه تجربه می‌شود. بررسی چنین موضوعی به روش‌شناسی متفاوتی نیاز دارد و آن استفاده از روش‌شناختی کیفی در پارادایم مطالعات فرهنگی برای درک موجودیت سوژگی سیاسی در دانشگاه است؛ بنابراین، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی جنبه‌ای از موقعیت سیاسی در دانشگاه است که سوژه سیاسی با آن روبه‌رو می‌شود و آن مسئله ترس است.

ما موقعیت سیاسی را شبکه‌ای از عوامل و روابط مختلف بین آنها می‌دانیم. موقعیت سیاسی حاصل شبکه‌ای از روابط بین عواطف، کنش‌ها، کنش‌های گفتاری، برنامه‌ها، امور اداری، مناسبت‌ها، تشکل‌های سیاسی، پوسترها، نشریات، و تابلوهای اعلانات سیاسی است. موقعیت سیاسی حاصل پیوند عوامل مختلف یادشده است که دانشجویان دانشگاه با هر کدام از آنها به شکل‌های مختلف روبه‌رو می‌شوند. هرچند این مسئله وجود دارد که درجه شدت تجربه موقعیت سیاسی در هر کدام از وضعیت‌ها متفاوت است. برای مثال، شدت رویارویی با موقعیت سیاسی در قالب ایستادن جلوی تابلوی اعلانات تشکل‌های سیاسی و خواندن مطالب آنها نسبت به شدت فعالیت سیاسی در تشکل‌ها و تجربه موقعیت سیاسی برخاسته از آن بسیار متفاوت است. بنابراین، موقعیت سیاسی در دانشگاه مجموعه‌ای از روابط است که ویژگی آنها با مسائل، تصمیم‌گیری‌ها و مشکلات سیاسی برخاسته از حکومت پیوند می‌یابد. با توجه به موقعیت زمانی نگارش مقاله که بعد از رخداد ۱۳۸۸، تنظیم شده است موج برخوردها با دانشجویان به هرچه امنیتی‌تر شدن جو دانشگاه منجر شد و به افزایش هزینه‌های فعالیت‌های سیاسی دامن زد. درگیری‌ها و تندروری‌ها نسبت به موقعیت سیاسی در دانشگاه می‌تواند عواقب جدی مانند تهدید آینده شغلی و عدم تحصیل دانشجویان را به همراه داشته باشد. به همین سبب، خانواده‌ها به فرزندان و دانشجویان به همدیگر مدام پیرامون مخاطرات رویارویی با موقعیت سیاسی هشدار می‌دهند و موقعیت



سیاسی به یک فویا تبدیل شده است. در نتیجه، در مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که ترس از موقعیت سیاسی چگونه توسط دانشجویان تجربه می‌شود؟ سوژه‌های سیاسی برای درگیر شدن با درجه بالایی از شدت موقعیت سیاسی، مانند اعتراض‌های سیاسی یا عضویت فعال در تشکل‌های سیاسی، چگونه با ترس مواجه شده‌اند؟

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر سه دانشگاه امیرکبیر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران بررسی شد. این سه دانشگاه علاوه بر تنوع رشته دارای سابقه بلند فعالیت سیاسی است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها به شکل مصاحبه عمیق با دانشجویان سیاسی و غیرسیاسی به همراه مشاهده میدانی بوده است. با پنجاه دانشجوی، از هر دو جنس، مصاحبه شد. مصاحبه‌ها با دانشجویان غیرفعال سیاسی در حیاط دانشگاه و با دانشجویان عضو تشکل‌های سیاسی در دفتر آنان انجام شد. مصاحبه‌ها در نرم‌افزار تحلیل کیفی انوایو کدگذاری باز شد. بعد از کدگذاری باز سه محور با مرکزیت ترس به دست آمد: الف) ترس و خانواده؛ ب) ترس و آینده؛ و ج) گذار از ترس.

جدول شماره (۱). تشکل‌های مورد مصاحبه

دانشگاه امیرکبیر	دانشکده پزشکی دانشگاه تهران	دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی	دفتر تحکیم وحدت با گرایش محافظه‌کاری
انجمن فرهنگ و سیاست (گرایش اصلاح‌طلبی)	انجمن اسلامی با گرایش اصلاح‌طلبی	انجمن اسلامی (منحل شده) با گرایش اصلاح‌طلبی	
انجمن مجمع اسلامی (گرایش اصلاح‌طلبی)	بسیج دانشجویی (خواهران و برادران)	بسیج دانشجویی (خواهران و برادران)	
انجمن ترقی خواه (گرایش اصلاح‌طلبی)			
بسیج دانشجویی (خواهران و برادران)			
انجمن اسلامی با گرایش محافظه‌کاری			



تحلیل‌ها برگرفته از نقل قول‌های خود دانشجویان است و بر اساس آنها روایتی از مسئله ترس برخاسته از رویارویی با موقعیت سیاسی به دست آمده است. در واقع، صدای دانشجویان خود بخشی از بدنه تحلیل است و توسط پژوهشگر با ادبیات نظری پیوند داده می‌شود. به عبارت دیگر، گزارش حاضر پیوندی بین ادبیات تجربه زیسته با ادبیات نظری است، به همین سبب آنها با یکدیگر درهم آمیخته‌اند و بر شبکه‌ای از روابط درهم تنیده شده دلالت دارد. به این راهبرد شیوه «تحلیل ارتباط انتقادی» گفته می‌شود (گومز، پویگورت، و فلچا، ۲۰۱۱).

گفتنی است که پژوهش حاضر به مدت شش ماه از مهر تا اسفند ۱۳۹۵، انجام شده و در این زمینه پژوهشگر شاهد برگزاری مراسم‌های سیاسی، مانند ۱۶ آذر، دانشگاه بوده است. همچنین، با توجه به اهمیت موضوع و تعداد مصاحبه‌ها از آوردن مشخصات مصاحبه‌شوندگان خودداری شده، اما عضویت سیاسی آنان در نوع تشکل‌های سیاسی دانشجویی مشخص شده است. دانشجویان از دو طیف اصلاح طلب و اصول‌گرا بررسی و دانشجویانی که غیرفعال سیاسی‌اند فقط با ذکر دانشجو و نام دانشگاه مشخص شده‌اند.

۳. چارچوب نظری

مطالعه احساسات بخشی از جنبه شکل‌گیری سوژگی است. سوژگی را در مفهوم دلوزی آن یعنی تاخوردگی^۲ بیرون به درون در نظر گرفته‌ایم. احساسات محل درک جهان و رخدادهاست (دلوز،^۳ ۱۹۶۹، ۲۲). بنابراین، آنچه از مفهوم ترس یاد می‌شود حاصل رویارویی سوژه با موقعیتی است که امنیت او را تهدید می‌کند و در قالب رخداد در احساسات او درک می‌شود، زیرا رخداد نظم موجود را به هم می‌ریزد (بدیو^۴، ۲۰۰۹، ۱۱۴) و وضعیت ابهام را که به احساس ناامنی منجر می‌شود، ایجاد می‌کند. بنابراین، به هم‌ریختن نظم، احساس ناامنی و محافظت از نظم در رخداد به مسئله‌آمیزشدن موقعیت سیاسی منجر می‌شود.

1. Gómez, Puigvert & Flecha
2. folding
3. Deleuze
4. Badiou





به تعبیر رانسیر^۱ (۲۰۱۰، ۸۴)، موقعیت سیاسی حاصل ایجاد نظم و از پی آن تولید به هم ریختگی برای ایجاد امکان به ظهور رسیدن نظرات مختلف است تا موقعیت مساوی در چرخه سیاست ایجاد شود. اما اگر گفتمان سیاسی حاکم نتواند اجازه ایجاد موقعیت به هم ریختگی به مثابه امکان بروز ایده‌های جدید را بدهد، یا در برابر تغییرات فرهنگی ایستادگی کند، به ناگزیر سیاست وحشت و موقعیت ترس ایجاد می‌شود. در نتیجه، رژیم احساسات ناشی از ترس گونه‌ای از موقعیت سوژگی را شکل می‌دهد که آنقدر در چنبره لبه‌های مرزهای قرمز تخلف و جرم قرار گرفته است که در نتیجه، تأمین امنیت و مراقبت از خود برای سوژه به اولویت تبدیل می‌شود (گلینوس و استراویسکی^۲، ۲۰۰۸، ۲۶۶).

به بیان دیگر، در جایی که باید سیاست را بستر بروز ایده‌های جدید بدانیم آنچه در قالب قدرت برتر حکومت یاد می‌شود در برابر جریان و حیات قدرت در زندگی روزمره قرار می‌گیرد. بر اساس مافزولی^۳، جریان قدرت از طرف گفتمان به شکل «قدرت بر»^۴ در پی تسلط بر زندگی روزمره است و از آن طرف، جریانی از پایین در مفهوم «قدرت به»^۵ در پی حرکت، جریان، و تغییر است (۲۰۰۴، ۲۰۵). «قدرت بر» به اراده معطوف به کنترل و ساماندهی اشاره دارد و «قدرت به»، اراده معطوف به حرکت و تغییر است. «قدرت به» همان خرده‌موقعیت‌ها و خرده‌کنش‌های سیاسی از طرف کنشگران زندگی روزمره است که دال‌های گفتمان را اعواج و تغییر می‌دهد. در نتیجه برخورد این دو نوع قدرت است که ترس از موقعیت سیاسی زاییده می‌شود. اما اگر شدت ترس به فویا تبدیل شود آنگاه انفعال سیاسی و گریز از هر آنچه تداعی‌کننده رویارویی با قدرت حاکمیت است به وجود می‌آید. بر این اساس، تجربه احساس ترس در میان دانشجویان مسئله‌ای پیچیده و در شبکه‌ای از روابط قرار می‌گیرد که حاصل از درهم‌آمیختگی نیروهای مختلف است. پدیده ترس از

1. Rancier

2. Glynos & Stavrakakis

۳. Maffesoli: در اندیشه مافزولی دو مفهوم از قدرت وجود دارد که در زبان فرانسه به صورت پویسانس (Pouissance) و پوواقی (Pouvoir) بیان می‌شود. ما مفهوم اول را به «قدرت به» ترجمه کرده‌ایم و دوم را به مفهوم «قدرت بر» (سوبرینهو، ۲۰۰۱، ۱۲۰). مافزولی «قدرت به» را معادل با قدرت درونی اجتماع می‌داند یا همان حیات پویای اجتماعی که ارزش‌ها را می‌سازد (مافزولی، ۱۹۹۱، ۷) و «قدرت بر» اشاره به قدرت سیاسی و اقتصادی دولت دارد.

4. power over

5. power to

موقعیت سیاسی را باید در بستری از روابط خانواده، دانشجویان، دانشگاه، تشکل‌های سیاسی، برخوردهای حکومتی و بزنگاه‌های تاریخی در نظر گرفت که تبلور آنها در احساسات دانشجویان به صورت هیجان، تردید، و ترس تجربه می‌شود. بنابراین، در ادامه به بررسی احساس ترس در چنین شبکه‌ای از روابط خواهیم پرداخت.

الف) ترس و خانواده

شرکت در تشکل‌های سیاسی دانشجویی با نوعی از ترس همراه است. به بیان دیگر، دانشجوی برای شرکت در فعالیت‌های تشکل‌های سیاسی باید با فویبای موقعیت سیاسی رویارو شود. ترس از سیاسی بودن را دوستان، خانواده و اتفاق‌هایی که برای نزدیکان به سبب فعالیت‌های سیاسی افتاده است گسترش می‌دهند.

شاید حضور در انجمن هم برای خیلی از بچه‌ها بی‌معنا باشه، حتی الان که خیلی هم آرومه، بازم خیلی‌ها می‌ترسند از جلوی درب رد شن. ... انگار که هر کی بیاد توی انجمن گیره. یعنی با اون که توی دانشکده علوم پزشکی تقریباً ستاره که اصلاً وجود نداره. ... به خاطر صرف عضویت در انجمن تا حالا کسی مشکلی براش ایجاد نکردن. خب! ولی همچنان این تصور در خیلی از بچه‌ها وجود داره که هرکی میره توی انجمن یک پرونده کلفتی براش درست می‌کنند. این ذهنیت اشتباهیه که وجود داره. ما خیلی هم تلاش می‌کنیم که این ذهنیت برطرف بشه ... من خودم یادم هست که میومدم دانشگاه بابام می‌گفت که میری قاطی این جریانان نشیا، ... بابام می‌گفت حواست رو جمع کن اونجا سیاسیه و برات دردسر درست میشه (عضو انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

ترس از سابقه‌دار شدن دانشجوی سیاسی و به‌خطرافتادن امنیت او برای خانواده‌ها قابل هضم نیست و آنان نمی‌خواهند که دانشگاه از نقطه پیشرفت به نقطه تهدید، برای آینده فرزندان‌شان، تبدیل شود:

کلاً یک مقدار فکر می‌کنم توی این سال‌ها به خصوص فعالیت سیاسی هزینه بیشتری داره و کلاً حساسیت روش زیاده. من فکر می‌کنم به خاطر همین یه جور بیم یا واهمه وجود داره (عضو انجمن اسلامی دانشکده داروسازی).



حساسیت روی فعالیت سیاسی، در قالب یکی از مصداق‌های موقعیت سیاسی، ناشی از ذهنیتی است که سیاست را عامل تهدید پیشرفت دانشجو در نظر می‌گیرد. آمیخته‌شدن موقعیت سیاسی با ترس و بروز آن در خانواده‌ها بعد از رخداد ۱۳۸۸، شکل پیچیده‌تری به خود گرفت:

به‌خصوص بعد از ۸۸، این ترس‌زدگی توی جامعه وجود داره، یعنی مثلاً دانشجویهایی که هزینه دادن، خب، این باعث میشه که خانواده‌ها رو محافظه‌کار می‌کنه. به بچه‌ها می‌گن رفتن دنبال کار سیاسی نرین (عضو انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

به همین سبب، این رخداد سیاسی، و بازخوردهایی از نوع برخورد با معترضان، به محرکی تبدیل شد که خانواده‌ها را نسبت به فعالیت سیاسی فرزندانشان حساس کرد: من هر سال که ورودی‌ها میان دانشگاه ثبت‌نام می‌کنند ما به‌عنوان بزرگ‌ترهای دانشگاه میریم با پدر و مادرها صحبت می‌کنیم؛ همشون به من می‌گن که آره! ما به بچه‌ها مون گفتیم که اصلاً وارد کارای جنبی نشو، برو فقط سر کلاست درست رو بخون و بیا خونه. ... جوری میشه که الان تشکل‌های دانشگاه‌ها هم توی جذبشون مشکل دارن (عضو دفتر تحکیم وحدت).

این مسئله موجب شده است تا دغدغه‌های خانواده‌ها در برابر دغدغه‌های تشکل‌ها قرار گیرد و جریان جذب نیرو و تشکیل جمعی، با هدف ایجاد حس و دغدغه‌ای مشترک، با موانع جدی روبه‌رو شود. بنابراین، قسمتی از سیاست در دانشگاه، در خارج از دانشگاه‌ها و در خانواده‌ها رخ می‌دهد. خانواده‌ها به‌واسطه آگاهی که از موقعیت سیاسی برای دانشجویان ایجاد می‌کنند موجب شیوع ترس سیاسی می‌شوند:

پدر مادرا الان دهه پنجاه یا چهل زندگی شونه، می‌گن آدمایی که وارد این کار شدن سر از زندان درآوردن یا از ایران فرار کردن یا توی دانشگاه فشار آوردن بهشون نداشتن ادامه تحصیل بدن. نتونستن شغل پیدا کنن. الان مهم‌ترین مسئله همین شغله. وقتی علوم انسانی رو نگاه می‌کردم رتبه‌های یک تا دهشو، نصفشون زندان بودن، زندان اوین بودن. دیگه رتبه‌های برتر بودن یعنی هم





درسشون رو می خوندن هم فعالیت سیاسی شون رو می کردن. الان ... سر از زندان درآوردن و زندگی شون تباه شد. اگر بنخواهیم جدی کار کنیم که همونجور که گفتم سر از زندان درمیاره یا اینکه مجبوره از کشور فرار کنه. آینده‌ای نداره. آیندش سیاهه در واقع (دانشجوی دانشگاه امیرکبیر).

خانواده‌ها در جریان‌های سیاسی روز کشور باتجربه شده‌اند و آن را به فرزندان خود انتقال می‌دهند و دانشگاه را فقط در حد یادگیری علم توصیه می‌کنند:

عواقب که خب یکم داره، یکی هم میل خونواده بود دیگه که قاطی نشو، می‌گفتن برو و بیا (دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی).

خانواده‌ها موقعیت سیاسی را وضعیتی می‌دانند که بده و بستان در آن فقط ضرر است. بی‌حاصل بودن کنش سیاسی و امر سیاسی برای دانشجو فقط ایجاد مخاطره است: دید خانواده بیشتر این بود که جایی خودت رو خرج نکن که بعدها به ضررت بشه و حسرت استفاده از اون زمان رو بخوری (عضو بسیج دانشگاه امیرکبیر).

خانواده‌ها غنیمت شمردن زمان دانشجویی و تبدیل آن به موقعیتی برای پیشرفت را محاسبه می‌کنند. مسئله‌ای که کمتر برای خود دانشجو دغدغه است. محاسبه زمان مفید، از جانب خانواده، یعنی مدت زمان دانشگاه باید صرف آموختن مهارت و دانش شود و موقعیت سیاسی عاملی مزاحم برای تمرکز ذهن دانشجو است. پس، چگونگی صرف زمان، آن هم زمانی که معنای سیاسی به خود می‌گیرد، بین خانواده‌ها و دانشجویان سیاسی فاصله ایجاد می‌کند:

خانواده خیلی مخالف این نوع از فعالیت‌های من هستند. ... الان که میگم جزو انجمن اسلامی هستم اونقدر بدشون میاد، عصبانی میشن که اصلاً برای چی وقت رو می‌گذاری برای این کارا. همش خودت رو مشغول کردی. خیلی بیزارند از این کارای من (عضو دفتر تحکیم وحدت).

خانواده‌ها در برابر مسیر شکل‌گیری سوژه سیاسی در دانشگاه قرار دارند. خانواده‌ها گوش دانشجویان را پر می‌کنند که نباید کار سیاسی کنند یا حرف سیاسی بزنند. آنان از دانشجویان می‌خواهند تا در دانشگاه احساسات خود را در برابر موقعیت سیاسی مدیریت کنند و مراقب



باشند، زیرا تاریخچه سوژه‌های فعال در موقعیت‌های سیاسی دانشگاه نشان داده است که درگیر شدن با موقعیت سیاسی می‌تواند دانشگاه را از سکوی پرش به نقطه سقوط دانشجویان بدل کند. وجود موقعیت سیاسی در دانشگاه برای خانواده‌ها امری پسندیده نیست. خانواده‌ها سعی می‌کنند از دانشگاه سیاست‌زدایی کنند. اما باید در نظر داشت که این سیاست‌زدایی در کدام رابطه به کار گرفته می‌شود. این سیاست‌زدایی در رابطه با سیاستی نیست که بسیج یا انجمن‌های اسلامی با گرایش محافظه‌کاری دنبال می‌کنند، زیرا ورود به بسیج و انجمن‌های اسلامی با گرایش محافظه‌کاری معمولاً با عقاید مذهبی و ایدئولوژی دینی همراه است و چون از تشکل‌های دینی و محافظه‌کار به مثابه بدنه اصول‌گرایی در حکومت یاد می‌شود، پس برای خانواده‌ها جای ترس فراوان باقی نمی‌ماند. ترس از موقعیت سیاسی شامل گرایش‌های فکری تحول‌خواه، رادیکال، اصلاح‌طلب و نقادانه است.

بنابراین، وجود افرادی از اعضای خانواده یا آشنایان که در موقعیت‌های تحول‌خواهانه یا رادیکال با موقعیت سیاسی در دانشگاه درگیر و دچار عواقبی مانند محرومیت شغلی، تحصیلی، یا زندان شده‌اند به مثابه الگویی برای دیگر اعضای خانواده که دانشجوی هستند، به شمار می‌روند:

بیشتر به خاطر ترس از ضررش. چون ضررش رو دیدم. ... توی خانوادم بودن. ترس از ضرر نبود، خود ضرر بود. دانشجویی بوده که دو سال زندان بوده (دانشجوی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

این مسئله سبب می‌شود تا خانواده‌ها دست به الگوبرداری بزنند و از فرزند خود بخواهند که به هیچ‌وجه وارد موقعیت‌های سیاسی نشوند، زیرا ممکن است عواقبی که برای دوست یا آشنا پیش آمده است برای آنان هم رخ دهد. پس، القای ترس از موقعیت سیاسی در دانشگاه موجب می‌شود تا دانشجویانی که با ذهنیت ترس وارد دانشگاه می‌شوند این دغدغه را به دیگر دوستان انتقال دهند:

اول دانشجوییم بود. خیلی می‌ترسیدم از قاطی شدن. اینقدم گوشم پر بود که یک موقع کار سیاسی نکنی، یک موقع حرفی نزن. ... از خانواده، دوستان (دانشجوی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

اما در دانشگاه، نقش خانواده‌ها تمام می‌شود و این دوستان هستند که در نقش نمایندگان خانواده‌ها عمل می‌کنند و به همدیگر خطر رویارویی با موقعیت سیاسی را گوشزد می‌کنند.

مثلاً معمولاً به هر کی می‌گفتم می‌ترسید، می‌گفت انجمن کلاً سیاسیّه. من خودم برخوردی نداشتم ولی حرفی که کسی بهم گفت و گفتم چرا این حرف رو می‌زنی، گفت اونجا یه جوریه که اگر ببینن تو مثلاً یک ذره آدم با استعداد و با پتانسیلی هستی جذب می‌کنن. حالا یا خودت جذب میشی یا اونو بیرون کشیدن از اونجا سخت میشه (دانشجوی دانشگاه امیرکبیر).

همان‌طور که در نقل قول بالا دیده می‌شود، احساسات دانشجویان مملو از گوشزدهای ترس‌آوری است که از خانواده، دوستان، و نمونه دانشجویانی که از درگیری با موقعیت سیاسی آسیب دیده‌اند، برآمده است. برای دانشجویان شکل‌های سیاسی محلی مناسب و امن به حساب نمی‌آید. شکل‌های سیاسی به مثابه موقعیتی دیده می‌شود که ذهن‌ها را می‌رباید و دانشجویان را به آدم‌های سیاسی و جناحی بدل می‌کند. نگرانی و ترس نهفته در گفته‌های این دانشجو نشان‌دهنده نگرانی‌هایی است که به خانواده‌ها انتقال می‌یابد. همچنین، باید به وضعیتی اشاره کنیم که در آن دانشجویان وقتی جذب شکل‌های سیاسی می‌شوند انگار در آن گیر می‌افتند و دیگر راه‌هایی ندارند. ترس از تنیده شدن با موقعیت سیاسی با مفهوم «ترس از قاطی شدن» در این نقل قول مشخص می‌شود:

نگاه کنید الان من ترم پنجم و سه ساله دانشگاهم ولی می‌بینم، سال بعدم که وارد شدن و دو سال بعدم که وارد شدن اصلاً کامل فرق می‌کنه. تغییر کرده. نگاه کنید ما مجله اجتماعی می‌خوایم بدیم دست یک نفر می‌گه نه من نمی‌خوام قاطی شم. می‌گیم بابا اجتماعیه؛ اصلاً توش حرف سیاسی زده نشده؛ ولی می‌گه من نمی‌خوام قاطی شم (عضو انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه امیرکبیر).

برای جلوگیری از جذب شدن نباید قاطی شد و حتی نباید دست به نشریات شکل‌ها زد. بنابراین، عدم تمایل برای قاطی شدن یا هر آنچه نشانه‌ای از موقعیت سیاسی از دانشجویان سوژه گریزان را می‌سازد، سوژه‌ای که به دنبال حفظ بقا و مراقبت از جایگاه و آرامش خویش است:





اون سرکوب باعث میشه طرف بترسه. مثلاً ما نشریه می‌فروشیم، طرف رد میشه میگه نشریتون سیاسیه، میگیم آره! طرف رد میشه احساس می‌کنه اگر بخره بهش حکم سیاسی میدن... بفهمن نشریه سیاسیه اصلاً طرف نمی‌گیره، رد میشه... وای نمیشه. اصلاً دیالوگ برقرار کنی. مثل یک مرز می‌مونه که اگر من با تو حرف بزنم بازداشت میشم، مثلاً (عضو انجمن ترقی خواه دانشگاه امیرکبیر).

بر این اساس، سوژه‌گریزان عمل سرکوب را می‌فهمد و برای مواجه‌نشدن با آن از سیاست در دانشگاه دوری می‌کند. هم‌نشینی موقعیت سیاسی و سرکوب دو معادله است که در تجربه خانواده‌ها به پیش‌فرض مسلم بدل شده است و به دانشجویان منتقل می‌شود: من خودم به شخصه خیلی دوست دارم توی فعالیت‌های سیاسی شرکت کنم، اما از وقتی که او مدیم دانشگاه فقط شنیدم هیچی نگید، ساکت باشید، این اتفاق براتون میفته اون اتفاق براتون میفته... از خانواده شنیدم (دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی).

سوژه‌گریزان نتیجه تجربه سرکوب و ترس است که به او منتقل شده است. دانشجو خود را کنترل می‌کند تا با موقعیت سیاسی روبه‌رو نشود. دوگانه‌ای میان احساس یا میل به کنش سیاسی در برابر عقلانیت مراقبت از خود حاکم است. در این باره وقتی از دانشجویی پرسیده شد که تا اکنون آیا تمایل داشته است که کنش اعتراضی انجام دهد در پاسخ می‌گوید:

وقتی که حرفی سر کلاس میشه و می‌دونم زوره، ولی خب هیچی نمی‌گم به خاطر اینکه یک وقت اتفاقی نیفته برام، یک وقت یک انگلی بهم نزنند. به خاطر همین هم چیزی نگفتم. سکوت کردم و سکوت کردن برام بهتره (دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی).

موقعیت سیاسی در دانشگاه آستن رخداد است یا به بیانی دیگر، شامل آن جمله مشهوری است که «حادثه خبر نمی‌کند». حادثه سیاسی خبر نمی‌کند، اما امکان وقوع آن می‌رود؛ در نتیجه خانواده و دانشجویان مدام یکدیگر را از رویارویی با آن برحذر می‌دارند و از تماس با موقعیت سیاسی خودداری می‌کنند، زیرا موقعیت سیاسی آینده آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به عبارتی امنیت آن را از بین می‌برد.

ب) ترس و امنیت آینده

به‌راستی، علت واقعی ترس خانواده‌ها از موقعیت سیاسی در دانشگاه چیست؟ در ایران، دانشگاه همانند سکوی پرتابی تلقی شده که با ورود به آن و تحصیل می‌توان به موقعیت‌های شغلی مناسب دست پیدا کرد. هرچند در سالیان اخیر و با رشد مدرک‌گرایی^۱ این مسئله کم‌رنگ شده است، اما دانشگاه ارتباطی مستقیم با آینده شغلی دانشجویان دارد. ولی در دانشگاه موقعیت سیاسی همواره تهدیدی برای موفقیت شغلی دانشجویان بوده است.

بنده‌خداها اگر عضو انجمنی چیزی بشن و فعالیت بکنن آسیب می‌بینن، آینده شغلی شون مشکل میشه براشون و یا حتی کلاً در حین تحصیل هم آسیب می‌بینن. یک مقدار چراغ خاموش حرکت می‌کنن و خیلی علنی چیز نمی‌کنن. ... شاید یکی دیگر از دلایل برگرده به رشته اینها. چون رشته اینها علوم انسانیه. ... خوب به‌هرحال رشته‌های علوم انسانی بازار کار آنچنانی ندارند یا باید جذب کارهای دولتی بشن یا به‌هرحال خودشون فعالیت کنن. ... به نظرم دو دوتا چهارتا کردن پیش خودشون که مثلاً آقا! اگر ما یک پرونده سیاهی داشته باشیم و یک مشکلی برای ما به وجود بیاد، تعلیق بخوریم، زندانی بشیم، مثلاً چی کار می‌خوایم بکنیم؟ آیندمون رو بایستی مثلاً فدای این آرمان‌ها و ایده‌های خودمون بکنیم. فکر می‌کنم اینم تأثیر گذاشته روشون (دانشجوی فعال دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی).

بنابراین، آینده و ترس از آینده با ترس از موقعیت سیاسی و قاطعی نشدن در تشکل‌های سیاسی روابطی تنگاتنگ دارد. آینده‌ای که باید از آن در برابر موقعیت سیاسی محافظت کرد. کنش سیاسی با هیجانی همراه است که تجربه آن می‌تواند به تشکیل پرونده سیاسی برای دانشجوی تبدیل شود:

هر کی می‌بینه میگه دانشگاه امیرکبیر معروفه تو کارای سیاسی... می‌گن نرو اونجا، خیلی دور و بر سیاست نرو (دانشجوی دانشگاه امیرکبیر).

در دانشگاه موقعیت سیاسی به فعالیت سیاسی محدود نیست. بلکه موقعیت سیاسی



۱. در این باره رجوع کنید به عباس کاظمی (۱۳۹۴/۱۰/۱)، مک‌دونالدیزه‌شدن دانشگاه، تاریخ مراجعه ۹۵/۸/۲.

برای دانشجو به وضعیتی تبدیل شده است که باید از آینده خود در برابر آن محافظت کند. هرگونه نزدیکی به موقعیت سیاسی که معادل با نزدیک شدن به حوزه قدرت حکومت است برای دانشجو هشداردهنده است:

دانشگاه یک واحدی داره به اسم گزینش، اون بالا، که وقتی می خوای وارد مرحله بعد بشی تک تک این موارد تأثیر داره؛ شما تلاش کردی رسیدی توی این دانشگاهی که بهترین دانشگاه ایرانه، بعد واسه همچین مسئله ای بگن دیگه نمی تونی درس بخونی؛ برای من اصلاً منطقی نیست. ... جایی که ما درس می خونیم خیلی نظارت روشه، خیلی نکات می تونه تأثیر داشته باشه. توی ادامه روند تحصیل و حالا روال کارکردن در موقعیت های شغلی آینده. نتیجتاً یاد گرفتیم در دانشگاه تا اونجایی که میشه به جز ورودی های خودمون حالا یک ورودی بالاتر یا پایین تر بیشتر ارتباطی با کسی نداشته باشیم. چون همه اینجوری اند توی دانشگاه (دانشجوی دانشکده داروسازی دانشگاه تهران).

همان طور که در نقل قول بالا دیده می شود، در بیرون و داخل دانشگاه واحدهایی است که قرار است وضعیت سیاسی دانشجویان را ارزیابی کند. چشمی سراسر بین که همه چیز را زیر نظر دارد. در این بین، دانشجویان باید فاصله خود را با قلمروهای موقعیت سیاسی حفظ کنند. مسئله مراقبت از پیشرفت در آینده به مثابه دستگای نظارتی عمل می کند که دانشجو رفتار خود را در برابر آن تنظیم می کند:

توصیه کردن که مثلاً این کارا رو نکن؛ بعداً واسه پیدا کردن کار، اینایی که کار سیاسی می کنند برای کار دولتی مشکل ساز میشه (عضو انجمن ترقی خواه دانشگاه امیرکبیر).

بنابراین دانشجو آرامش و امنیتش را در خطر می بیند. آرامش خاطر دانشجو بیشتر در گرو تضمین امنیت برای ادامه تحصیل و پیدا کردن شغل مناسب است. در این میان هر عامل خارجی که این روابط را خدشه دار کند موجب از بین رفتن آرامش فکر می شود: کلاً ترجیح میدیم که یک آرامشی داشته باشیم. کلاً فضاش خیلی فضای آرامشی نیست، یعنی احتمال داره که دانشجوی سیاسی بشی یا مثلاً حراستی بشی. ...



ریسک به نظرم بیشتر. یعنی ممکنه کارشناسیت رو نگیری و بری. مثلاً یک ورودیه ۸۷ می‌شناسم که کارشناسیش رو هنوز نگرفته. مثلاً دوسال زندان بود سر ۸۸ (دانشجوی پزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

مصائب موقعیت سیاسی در دانشگاه عقلانیت معطوف به هدف را پررنگ می‌کند. عقلانیت معطوف به هدف درصدد آن است تا از ادامه مسیر و اهداف خود در آینده دفاع کند؛ نمی‌توان بر عقلانیت معطوف به ارزش‌ها که موقعیت سیاسی بر آن استوار است اعتماد کرد و دورنمای آینده را به آن سپرد:

دورنماش هست دیگه، طرف میاد میگه من می‌خوام هفت سال و نیم درس بخونم، حالا احتمال می‌دهه، مطمئن نیست که من پیام حالا برام پرونده درست شه و نذارن من رزیدنسی بخونم (عضو انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

دانشجویان دغدغه مدیریت آینده را دارند. آینده زمان حال را کنترل می‌کند. باید آینده را از نابودشدن حفظ کرد، چون دانشجویانی بوده‌اند که به سبب فعالیت‌های سیاسی آینده خود را تباه کرده‌اند. دانشگاه وقتی قرار است آینده شغلی دانشجویان را تضمین کند، درعین حال می‌تواند این تضمین را برای همیشه سلب کند و آن وقتی است که دانشجویان از درهای ترس عبور و دغدغه تنیده شدن با موقعیت سیاسی را پیدا کند. بنابراین، تنیده شدن با موقعیت سیاسی معادل با عبور از ترس فداکردن آینده در برابر تجربه زمان حال در موقعیت سیاسی است.

تنیده شدن با موقعیت سیاسی موجب از بین رفتن زمان حال می‌شود. دغدغه مراقبت از آینده سبب می‌شود تا زمان حال معنای خود را از دست بدهد. زمان حال دیگر نمی‌تواند فضای تجربه امور جدید باشد. تجربه کارهای مشترک سیاسی می‌تواند موقعیت سوژگی جدیدی را ایجاد کند، اما این موقعیت سوژگی در نظام نظارتی آینده از بین می‌رود. زمان آینده بر زمان حال سایه می‌افکند. سرریزیدن زمان آینده در زمان حال به نوعی خلاف آن چیزی است که در فرهنگ فارسی از آن به مثابه غنیمت شمردن دم (زمان حال) یاد می‌شود.^۱

۱. وقتی دانشجویان از نگرانی در مورد آینده کاری و سرنوشت تحصیلی خود به سبب مشغول شدن در فعالیت‌های سیاسی می‌گویند نشان از سرریزیدن زمان آینده در زمان حال در موقعیت سوژگی سیاسی است. درحالی‌که سرریزیدن زمان آینده در زمان حال به نوعی برخلاف آن چیزی است که در فرهنگ فارسی از غنیمت شمردن دم یاد می‌کند. غنیمت شمردن دم برای بزرگان





غنیمت‌شمردن دم، داشتن نیروی جوانی و رفتن به سوی تجربه‌های جدید است. اما، در اینجا چیزی برای تجربه‌های جدید در دسترس نیست.

دانشجو دیگر نمی‌تواند به سیاست اعتماد کند تا بتواند جسارت بیان عقاید را بیابد. او در برابر کمیته‌های انضباطی و نهادهای نظارتی مسئول رفتار خویش است و باید مراقب رفتار امروزش باشد. خانواده، زمان آینده، و نهادهای نظارتی پویایی زمان حال دانشجو را تهدید می‌کند. او دغدغه آینده را دارد و به سیاست در زمان حال بی‌تفاوت می‌شود و سعی می‌کند از آن بگریزد. دانشجو در زمان حال با مسائل سیاسی‌ای روبه‌رو می‌شود که با زندگی روزمره او پیوند می‌یابد، اما ترجیح می‌دهد با کمترین اصطکاک ممکن با آن روبه‌رو شود و بیشتر در برابر آن سکوت کند و این رفتار قبل از هر چیز نشان‌دهنده آگاهی از موجودیت هولناک موقعیت سیاسی است. به بیانی دیگر، رهاکردن زمان حال و مراقبت کردن از آینده همانند برخورد با موقعیت سیاسی و معامله با آن برای به‌دست آوردن پیشرفت و آرامش است. در این معنا، زمان حال به موقعیت سیاسی تسلیم می‌شود و در عوض احساس تضمین امنیت آینده و موفقیت به دانشجو داده می‌شود. اما، در این بین، دانشجویانی وجود دارند که تن به این معامله نمی‌دهند و از دروازه ترس عبور و موقعیت سوژگی سیاسی را تجربه می‌کنند.

ج) گذار از دروازه ترس

هیچ‌وقت به ذهنم نمی‌رسید ولی شاید همیشه خانوادم ترسی رو به من القا می‌کنند؛ ولی من هیچ‌وقت به این فکر نمی‌کردم که جایی رو پیدا کنم که بخوام یک فعالیت سیاسی هم بکنم که بترسم. اونا ولی همیشه ترس رو القا می‌کنند... چون کار سیاسی اونقدر کار خاصی به نظر نمیومد که بخواد اتفاقی واسم بیفته (عضو مجمع اسلامی دانشگاه امیرکبیر).

ادبیات فارسی با مستی، شور و جسارت بیان حقایق همراه است که محافظه‌کاری و ترس از امنیت آینده موقعیت معاصر بودن در زمان حال را از بین می‌برد. در زیر ابیاتی از حافظ و سعدی منظور در زمان حال بودن و جسارت فویانگری را نشان می‌دهد:

ساقیا عشرت امروز به فردا مفکن	یا ز دیوان قضا خط امانی به من آر (حافظ)
کنونت که امکان گفتار هست	بگوی، ای برادر، به لطف و خوشی
که فردا که پیک اجل سر رسد	به حکم ضرورت زبان درکشی (سعدی)

گذار از دروازه ترس و رسیدن به تشکل‌های دانشجویی از مهم‌ترین تحولاتی است که سوژه سیاسی تجربه می‌کند. روبه‌رو شدن با موقعیت سیاسی و پرداختن به آن برای دانشجویان به شکل‌هایی مختلف رخ می‌دهد. گذار از دروازه‌های ترس و رسیدن به نقطه‌ای که سوژه تصویری دیگر از هویتش پیدا می‌کند از مهم‌ترین نکاتی است که سوژه سیاسی احساس و دریافت می‌کند. درحقیقت، مهم‌ترین عاملی که در شکل‌گیری سوژه سیاسی نقش بازی می‌کند عبور از دروازه ترس است. موقعیت سیاسی به‌مثابه دنیای آن‌سوی دروازه ترس است که لازمه رسیدن به آن عبور از دروازه ترس است. بنابراین، ما با دانشجویانی روبه‌رو می‌شویم که ترس از موقعیت سیاسی را احساس می‌کنند و در گام بعدی وارد آن می‌شوند. سوژه سیاسی در دانشگاه باید از این مرحله عبور کند تا بتواند به مرحله بعدی برسد.

اما باید توجه کرد که تجربه مواجهه با ترس و عبور از آن در بین دانشجویان اصول‌گرا و حزب‌اللهی با دانشجویان اصلاح‌طلب بسیار متفاوت است. دانشجویان متعلق به اردوگاه محافظه‌کاری چون به مواضع قدرت رسمی نزدیک‌اند و از حمایت آنان برخوردارند، با این ترس مواجه نیستند. دانشجویانی که وارد این طیف فکری می‌شوند دارای آرمان‌هایی سیاسی‌اند که با قدرت سیاسی کلان محافظه‌کاری پیوند می‌خورند. اما، از طرفی دیگر، با توجه به جدال قدرتی که در حکومت با اصلاح‌طلبان وجود دارد، تشکل‌های سیاسی اصلاح‌طلب معمولاً با دوره‌های انتخاباتی دچار فراز و فرود می‌شوند. برخوردهای امنیتی معمولاً با دانشجویانی شده است که دارای گرایش اصلاح‌طلبی و متعلق به طیف گفتمان تحول‌خواهی بوده‌اند.

بنابراین، وقتی از دانشجوی سیاسی سخن می‌گوییم باید رویکرد خود را نسبت به تقسیم سنتی قدرت که در حکومت وجود دارد مشخص کنیم. وقتی سوژه سیاسی که با ترس روبه‌رو است و خانواده دانشجوی او را از کنش سیاست باز می‌دارد، در واقع سوژه سیاسی متعلق به گفتمان تحول‌خواهی است. پس، آنان از سوژه سیاسی تحول‌خواه دور می‌شوند. درنتیجه، سوژه سیاسی که قرار است از ترس گذار کند سوژه‌ای است که وارد گفتمان اصلاح‌طلبی، ترقی‌خواهی و تحول‌خواهی می‌شود.

بر این اساس، سوژه‌ای که از دروازه‌های ترس عبور می‌کند، درحقیقت، موقعیت یک سوژه سیاسی تحول‌خواه را لمس و نسبت به شرایط و چگونگی آن آگاهی پیدا می‌کند.





شکل‌گیری آگاهی فرایند عبور از دروازه ترس را امکان‌پذیر می‌کند و بعد از آن سوژه سیاسی می‌کوشد تا دانشجویان دیگر را به درون قلمرو موقعیت سیاسی دعوت کند.

من خودم در مورد هزینه خیلی فکر کردم، اما وقتی بازداشت شدم و تموم شد دیگه خیلی راحت‌ترم شدم اتفاقاً. بحثم این بود که وقتی این اتفاق افتاد دیدم که خوب اینقدر به این فکر می‌کردی که چه اتفاقی می‌افته و اینکه اینقدر برات دغدغه بود که خوب حالا چی میشه؟ مامان بابات چی میشن؟ همسرم چی میشه وقتی من بازداشت میشم؟ اما شد، اتفاق افتاد و هیچیم نشد و اینکه خودتم تونستی محک بزنی، پس تموم شد و رفت حالا. پس من میگم آدما قبلش اتفاقاً خیلی به خودشون فکر می‌کنند... و تو وقتی که منتظرشی که یک چیزی اتفاق بیفته خیلی بیشتر اذیت می‌کنه تا وقتی که اتفاق می‌افته و تموم میشه. به نظر من اکثر بچه‌ها یک ترس بی‌خود دارن. یعنی یک توهمی درست کردن از اینکه وای! حالا برای ما چه اتفاقی می‌افته؟ (دانشجوی فعال سیاسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی).

این نقل قول اشاره‌ای به توهم ترس از موقعیت سیاسی دارد. موقعیت سیاسی مانند شبیح ترسناکی است که با لمس کردن آن ترس‌ها فرو می‌ریزد و پدیده شناخت از آن شکل می‌گیرد. آشناسدن با آنچه درون موقعیت سیاسی می‌گذرد و شناخت سازوکار آن همانند نیروی رهابخشی است که امکان رویارویی با ترس را برای دانشجوی فراهم می‌کند:

شما از هرکس که بپرسید، چه خانواده، چه دوستان و چه اطرافیان، همه کسانی که هم‌کلاسی‌ها اولین چیزی که منعت می‌کنند فعالیت سیاسی نکن. من هر روز که خونه میام بیرون مادرم می‌گه که نرو سراغ این کارا، یا مثلاً هم‌کلاسی‌های خودم ترجیح میدن میانه‌روی رو پیش بگیرن بدون اینکه بدونن داره چه اتفاقی می‌افته. ولی من خودم می‌گم نباید بترسی... به نظر من خیلی از مشکلات ما اینه که می‌ترسیم، می‌ترسیم وارد مسائل سیاسی بشیم. چرا حالا مثلاً نهایتش یک خطایی از من سر می‌زنه که جامعه مثلاً محکوم می‌کنه حبس یا تعلیق یا هر چیز دیگه‌ای. ولی این ترسه وجود نداره دیگه... می‌گن عاقبتش یا زندانی‌شدن یا تعلیق. یعنی چیزه دیگه‌ای جز این نمی‌بینند توش (عضو انجمن ترقی خواه دانشگاه امیرکبیر).

همان طور که از این نقل قول‌ها برمی‌آید تجربه «تاوان دادن» موجب می‌شود تا سوژگی سیاسی شکل منسجم‌تری پیدا کند. سوژه سیاسی با تجربه تاوان دادن دوباره به فضای سیاست بازمی‌گردد، اما این بار با هوشیاری تا از پرداخت تاوان‌های بعدی کاسته شود. به همین سبب، سوژه سیاسی که با موقعیت سیاسی تنیده شده است به مثابه کاتالیزوری عمل می‌کند تا دیگر دانشجویان از دروازه ترس گذر کنند. این کاتالیزور در گفت‌وگوهای دوستانه و انتقال تجربه برای دانشجویان ورودی جدید و آنان که مشتاق ورود به این شکل‌ها هستند اتفاق می‌افتد. همچنین، سوژه‌های سیاسی گذرکرده از دروازه ترس چون از نوع برخوردها آگاهی دارند حرکات انتقادی صریح‌تری را انجام می‌دهند و باعث برانگیخته شدن هیجان و لذت در موقعیت‌های سیاسی می‌شوند:

من خب اولین باری که بعضی از عکس‌ها رو در دانشگاه دیدم شلوارم رو نزدیک بود خیس کنم. عکس کسانی که در حصر هستند رو زدند توی برد. گفتم آا انجمن زده این عکس رو روی دیوارش حتی. بعد دیدم نه چیزه عادیه! بعد یواش یواش به اون ترس‌های یک ذره غیر منطقی غلبه کردم. ولی تا حدی الانم ترس هست. چرا نباشه؟ (عضو انجمن ترقی خواه دانشگاه امیرکبیر).

غلبه بر ترس مطلق نیست، بلکه تا حدی می‌توان از آن عبور کرد و با بعد از آن سوژه سیاسی به مثابه کاتالیزوری عمل می‌کند که فضاهای ظهور موقعیت سیاسی را خلق و از موقعیت سیاسی در دانشگاه ترس زدایی می‌کند:

من یادمه، ترم یک که ما اومدیم یک بنده‌خدایی که توی یکی از خوابگاه‌ها فوت شده بود و اون سال بچه‌هایی که مثلاً سال بالایی تر بودن تحصن می‌کردن مثلاً جلوی دانشکدهش. و یادمه که من و ورودی جدیدی‌هایی که اومده بودیم اونجا یک ۵۰۰ متر اونورتر از تحصن وای می‌سازیم نگاه می‌کردیم و مکالمه‌ای که بینمون شکل می‌گرفت می‌گفتیم اینا چقدر شجاعن و ما الان بریم اونجا الان از مون فیلم می‌گیرن و بعداً حتی واسه تحصیل این چهار سالم مشکل پیش میاد و از این حرفا. می‌خوام بگم از نطفه همچین فکری توی همه هست (عضو مجمع اسلامی دانشگاه امیرکبیر).

مراسمی در یکی از آمفی‌تئاترها برگزار می‌شد. من فقط به‌عنوان تماشاچی می‌رفتم. در





اون آمفی تئاتر می دیدم یکسری از بچه‌ها می رفتن اون بالا و چقدر شجاعانه یکسری از حرفا رو می زنند. خیلی شجاعانه یکسری از حرفا رو می زنند که حتی به فکرم خطور نمی کرد؛ همچنین حرفی زده بشه در دانشگاه. می تونم اینجوری بگم که خوب بهش فکر می کردم که اینا دارن یک همچین حرفایی می زنند فرداشم میان دانشگاه خلیم به نظر نمیاد براشون مشکلی پیش بیاد؛ چرا من دیگه حداقل باید از حضور در یک تحصن بترسم. این لوله صده من چرا باید از لوله بیست بترسم. به نظرم این بهم کمک کرد و بعد این لوله اومد هی بالاتر (عضو مجمع اسلامی دانشگاه امیرکبیر).

این نقل قول‌ها نشان می دهد دانشجو وقتی در معرض موقعیت سیاسی در دانشگاه قرار می گیرد با سوژه‌های سیاسی روبه‌رو می شود که از دروازه‌های ترس عبور کرده و با موقعیت سیاسی تنیده شده‌اند. دانشجویان خود را با آنان مقایسه می کنند تا بدین ترتیب اگر دانشجویی کنش‌های سیاسی انجام می دهد و مشکل چندانی ندارد، پس من هم می توانم وضعیت سوژگی سیاسی او را تجربه کنم. بنابراین، سوژه‌های سیاسی به واسطه خلق موقعیت‌های کنش سیاسی می توانند شرایط شکل‌گیری میل به کنش و مشارکت سیاسی را ایجاد کنند.

اما وقتی دانشجو از دروازه‌های ترس عبور می کند، ترس برای او از بین نمی رود، بلکه رابطه او با ترس عوض می شود. سوژه سیاسی تنیده شده در موقعیت سیاسی می کوشد تا رابطه خود را با ترس تنظیم کند. او در تلاش است تا بر میزان آگاهی از حقوق خود بیفزاید و سعی می کند تا با موقعیت‌های ترس آور وارد تعامل شود یا حتی به این فکر می کند که برای پشت سر گذاشتن ترس به کجا رود یا چه کار نکند:

یادمه یک شب می ترسیدم برم خونه. دنبال راه حلی بودم که برم به خونه‌ای که کسی به فکرش نرسه من اونجام. برم خونه خالم که ممکنه به فکرشون برسه من اونجام. برم خونه دوستام. توی این فکر بودم و حتی برم خونه. من تو کوجه همه جا رو می پایدم رد می شدم یعنی تا این حد ترس داشتم! با این وجود نه! پیگیری می کردم. استارتش با هیجان بود ولی بعدش با آگاهی بود (عضو مجمع اسلامی دانشگاه امیرکبیر).

بنابراین، تجربه ترس بعد از گذار از آن به شکل پیچیده‌تری عمل می کند و آن ترس از مواجه شدن با نتیجه کنش سیاسی است که سوژه انجام داده است:

ترس بود تو هر کاری می‌کردیم. یادمه تو همین ماجرا که تحصن کرده بودیم، روز قبلش زنگ زده بودن خونه و گفته بودن از بیرون دانشگاه، که پسرشم داره همچین کاری رو می‌کنه جلوش رو بگیرین که من اونروز مادرم لباس مشکیم رو قايم کرد و نگذاشت بپوشم، در این حد! اومدم دانشگاه، باز رفتم توی تحصن نشستم. زنگ زدن به پدرم. گفتن پسرت اینجا نشسته. بعد شمع روشن کردم، زنگ زدن به پدرم. گفتن پسرت شمع روشن کرده. بعد جالبیش اینه که همش از بیرون دانشگاه زنگ زده می‌شد. خب خیلی فضای ترسناکی بود. من از دانشگاه بیرون می‌رفتم امکانش بود هر اتفاقی برام بیفته. با وجود این اولویت گذاشته بودم. گفته بودم من این مسیر رو انتخاب کردم باید برم. حالا هر ترسی باشه ایرادی نداره (عضو مجمع اسلامی دانشگاه امیرکبیر).

ترس در این مفهوم مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری سوژه سیاسی است. ترس دارای دو جنبه است: (۱) پیشگیری از رویاروشدن با ترس؛ (۲) انتظار از رویاروشدن با ترس. در مرحله اول دانشجو در پشت دروازه ترس است و در مرحله دوم سوژه سیاسی پس از گذار از دروازه ترس در تنیده‌شدن با موقعیت سیاسی و هوای ترس به سر می‌برد:

ما قبلش فکر می‌کردیم که دانشگاه حالا اون نهاد امنیتی خارج از دانشگاه هر کار دلش بخواد می‌تونه بکنه، ولی کم‌کم به این نتیجه می‌رسه که با آشناشدن با قوانین و با آیین‌نامه‌های داخلی دانشگاه اینجور چیزا رو که آشنا شدیم فهمیدیم که اینجوریم نیست. دیروز در برنامه من وسط بودم و شعار می‌دادیم، امروز ظهر سر سلف یکی از بچه‌ها به من گفت که بابا چی کار می‌کردین اون وسط نمی‌ترسیدین، یهو میان ستاره‌داری می‌کنن و از این حرفا. گفتم نه بابا ستاره‌دار! اصلاً ربطی به این چیزا نداره با این اتفاقی که دیروز افتاد، که شادی می‌کردیم برای انتخابات و شیرینی می‌دادیم و شعار دادیم، ستاره‌دار نمی‌شیم (عضو مجمع اسلامی دانشگاه امیرکبیر).

بنابراین، قوانین و آشنایی با آن می‌تواند تا حدی کاهش خطر رویارویی برای دیگر دانشجویان سیاسی را تضمین کند. سوژه سیاسی قانون را می‌داند و ترس را در چارچوب پانهادن به بیرون از





قوانین مشروع موقعیت سیاسی در نظر می‌گیرد. سوژه‌ای سیاسی، سوژه‌ای سخنگو است که قانون به او اجازه صحبت کردن و حضور در قلمرو موقعیت سیاسی را داده است:

وقتی شما در تشکل‌ها فعالیت می‌کنی ضرورت دارد که بعضی وقتا بری با حراست صحبت کنی برای مجوز برنامه‌تون مثلاً. و خب این مواجه‌شدنه اضطرابش رو کم می‌کنه، ولی برای یک نفری که بیرون این تشکل نشسته و هیچ وقت تجربه همچین چیزی رو نداره. این برخورد می‌تونه برخوردایی باشه که اضطراب‌آور باشه. از اون طرف به بحثی که هست اینه که چقدر این دانشجویایی که این بیرون نشستن نسبت به حقوقشون آگاهن! خوب به بخشی از این ترس‌زدگی نشان از اینکه آگاهی از حقوق دانشجو وجود نداره. ... این ناآگاهی ممکنه که فضا رو مبهم بکنه. مثلاً بگن که اگر این کار رو بکنی ممکنه بخوانت و این فرد هیچ تلقی از نتایج اون احضار ممکن نداشته باشه. خوب این آدم رو چی کار می‌کنه؟ محافظه‌کار می‌کنه، ترس‌زده می‌کنه، حضورشون رو برایشون توی اینجا دشوار می‌کنه. ... به‌خصوص از سال ۸۸ به بعد، فضای ترس‌زدگی که توی دانشگاه حاکم شد خیلی از افراد رو از فعالیت در تشکل‌ها بازداشت. ... اما حداقل بالاترین هزینه‌ای که یک فرد می‌تونه برای خودش تصور کنه محرومیت از تحصیله دیگه خب! ما فعال‌هایی داشتیم که بعد از رخداد ۸۸، خیلی فعال بودن اینجا و هیچ کدوم هزینه‌ای از جنس اینکه نتونن برن تخصص بخونن نداشتیم. یعنی فکر می‌کنم یک کم اغراق شده (عضو انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران).

بنابراین سوژه‌های سیاسی با ترس آشنا می‌شوند و سعی می‌کنند با آن وارد مذاکره شوند. ترس وقتی جدی می‌شود که سوژه سیاسی از خطوط قرمز گذر کند و پا به فضایی بگذارد که موقعیت سیاسی برای او مخاطره‌آمیز و هزینه‌بردار است. به بیانی دیگر، موقعیت سیاسی در دانشگاه به دو قلمرو امن و غیرامن تقسیم می‌شود. قلمرو امن تحت مراقبت مسئولان دانشگاه و مجوزهایی است که برای برنامه‌ها صادر می‌شود. اما در قلمرو غیرامن اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که دانشگاه مسئولیت آن‌ها را قبول نمی‌کند. اتفاق‌ها به سرعت حراست و مسئولان کمیته انضباطی را به تکاپو وامی‌دارد و بودن در موقعیت سیاسی به تخلف سیاسی بدل می‌شود. پرونده‌های تخلف دانشجوی سیاسی شکل می‌گیرد و حتی

مراجع امنیتی و قضایی وارد معرکه می‌شوند. فضای غیرامن سیاسی در دانشگاه فضای تهییج افکار، پیوستن دانشگاه به خیابان، و رسانه‌ای شدن اتفاق‌های آن است که دانشگاه را در زمین دانشگاه انقلابی قرار می‌دهد. اینجا دانشگاه از مرزهای امن موقعیت سیاسی خارج می‌شود و به مرزهای انقلابی خود نزدیک می‌شود. در نتیجه، سوژه‌های سیاسی شکل‌های دانشجویی، نماینده سیاست استاندرد شده از طرف اردوگاه‌های سیاسی قدرت در حکومت‌اند تا نماینده تش‌های سیاست در سطح فرهنگ، جامعه مدنی و مصائب زندگی روزمره. بنابراین، ما با سوژه‌های سیاسی مواجه‌ایم که نماینده اردوگاه‌های سیاسی در سطح حکومت‌اند و نمی‌توانند نمایندگی قشر خاکستری دانشجویان دانشگاه را داشته باشند. سوژه‌های شکل‌گرفته در ژانرهای سیاسی کلان حکومتی در پی دغدغه‌های ویژه خود هستند و توان تغییر در فضا را از دست داده‌اند. این دیدگاه سبب افول احساس امنیت نسبت به موقعیت سیاسی در دانشگاه شده است.



۴. نتیجه‌گیری

بررسی تجربه ترس از موقعیت سیاسی در دانشگاه سبب مسئله‌دار شدن خود موقعیت سیاسی می‌شود. موقعیت سیاسی دانشگاه به تاریخ دانشگاه و پیوند آن با سیاست اشاره می‌کند. اما اگر به دانشگاه پساانقلابی بازگردیم که دانشگاه محل تربیت سوژه‌های مؤمن، متخصص، و متعهد بوده است، در نتیجه، آموزش علم و یادگیری آن ماهیت سیاسی پیدا می‌کند، زیرا مشغول به تربیت نیروهایی با معیارهای گفتمان جمهوری اسلامی است. بر این اساس، سیاست در دانشگاه پساانقلابی همواره دارای جایگاهی ویژه بوده و حتی جزئی از دستگاه اداری دانشگاه شده است. چگونگی نسبت روابط قدرت در گفتمان جمهوری اسلامی و خوانش آنها از وضعیت همواره شکلی از وضعیت سیاسی را تعریف کرده که نمودهای آن در موقعیت سیاسی در دانشگاه نیز مشهود است. بنابراین، موقعیت سیاسی در دانشگاه با تغییر دولت‌ها و آرایش مجلس شورای اسلامی دچار تغییرات اساسی می‌شود. برای مثال، در زمان گفتمان اصلاح‌طلبی، فضای کنش‌های سیاسی به گونه‌ای بود که همان فعالیت‌ها در دوره دولت محافظه‌کار احمدی‌نژاد با ممنوعیت و مخاطره روبه‌رو شد.

ترس از وضعیت سیاسی در دانشگاه مربوط به موقعیت‌هایی است که در فضای ناامن سیاسی قرار می‌گیرد و دانشجوی را با اتهام سیاسی روبه‌رو می‌کند. بر اساس پژوهش حاضر، دانشجویان سیاسی با گرایش اصول‌گرایی و حزب‌اللهی از پشتیبانی‌های قوی‌تری از طرف جریان حاکم برخوردارند که آنان را همواره در فضای امن سیاسی قرار می‌دهد. اما در مقابل، دانشجویان تحول‌خواه و اصلاح‌طلب با بیشترین برخوردهای امنیتی و کمیته‌های انضباطی مواجه بوده‌اند که همین مسئله به جایگاه اردوگاه اصلاح‌طلبی، بعد از رخداد ۸۸، در نزد حاکمیت بازمی‌گردد.

بر این اساس، آنچه ترس از موقعیت سیاسی تعبیر می‌شود پیرامون کنش‌های سیاسی تحول‌خواهانه، دگراندیش، و فراتر از خطوط قرمز است. برای خانواده‌ها که دانشگاه را برای فرزندان خود سکویی برای پیشرفت در نظر دارند، شرکت در کنش‌های سیاسی تهدید مستقیم آینده فرزندان‌شان است. ترس از آینده و نمونه‌هایی از دانشجویان فعال سیاسی که از ادامه تحصیل و کار بازمانده‌اند خود شاهدی گویا برای خانواده‌ها و دانشجویان است تا در برابر موقعیت سیاسی از خود مراقبت کنند.

اما در این میان، دانشجویانی که از دروازه‌های ترس عبور کرده‌اند و دست به کنش سیاسی زده‌اند آگاهی بیشتری نسبت به سازوکار درونی موقعیت سیاسی پیدا می‌کنند. آنان تبدیل به کاتالیزورهایی می‌شوند که امکان ترس‌زدایی از موقعیت سیاسی را ایجاد و شرایط گذار از ترس را برای دانشجویان مستعد فراهم می‌کنند. بر این اساس، تجربه ترس برای دانشجویانی که به وضعیت سیاسی تنیده شده‌اند جنبه متفاوت و حالت پسینی دارد؛ یعنی احساس ترس پس از کنش سیاسی و انتظار از عواقب آن به وجود می‌آید. در نتیجه، احساس ترس از موقعیت سیاسی، برای دانشجویان، در دانشگاه ایرانی از بین نمی‌رود بلکه از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌کند.



منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ و نجات‌پور، مجید (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی جنبش دانشجویی در ایران (دهه ۷۰ و ۸۰). مطالعات انقلاب اسلامی، ۷(۲۱)، ۱۰۵-۱۲۷.
- جلانی‌پور، حسین (۱۳۸۹). فهم جنبش دانشجویی در ایران فهم جنبش دانشجویی در ایران با تأکید بر فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱(۳)، ۱۷۹-۲۱۳.
- رضایی، محمد؛ کاظمی، عباس؛ و طاهری‌کیا، حامد (۱۳۹۶). چهار روز از حیات دانشگاه پس از انقلاب؛ ۳۰ فروردین تا ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹. تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۰(۱)، ۱۷۷-۲۰۰. doi: 10.22631/ijcr.2017.327
- سالارکسرایی، محمد؛ و پوزش‌شیرازی، علی (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان جنبش دانشجویی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از نظریه گفتمان لاکلا و موفه (۱۳۷۶-۱۳۵۸). فصلنامه سیاست، ۴۱(۳)، ۲۲۷-۲۴۵.
- سجادی، فرهاد (۱۳۸۹). نگرش جامعه‌شناختی بر جهت‌گیری و فرایندهای جنبش دانشجویی ایران (۸۷-۱۳۵۷). مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۰(۱)، ۱۱۷-۱۳۴.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۹۱). توان‌سنجی گفتمان‌های جنبش دانشجویی ایران معاصر. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۲(۵)، ۶۷-۸۹.
- کتایی، محمود؛ وحید، فریدون؛ و قاسمی، وحید (۱۳۸۰). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ۲۶ و ۲۷، ۱۰۸-۷۷.
- کاشی، محمدجواد غلامرضا (۱۳۸۵). فضای دانشگاه، سیاست‌ورزی و ناسازه‌های هویتی در زندگی دانشجویان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- کچویان، حسین؛ و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۳). مفهوم‌سازی گفتمانی جنبش دانشجویی در ایران (مطالعه موردی دفتر تحکیم وحدت). فصلنامه سیاست، ۲(۲)، ۲۴۹-۲۱۹.
- محمدی، مصطفی؛ و محبوبی، قربانعلی (۱۳۹۱). تحلیل گفتمانی جنبش دانشجویی ایران از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی با تأکید بر گفتمان اسلامی امام‌خمينی(ره). مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۶(۵۱)، ۳۱۵-۳۳۲.
- نخعی، هادی (۱۳۹۰). تحولات جنبش دانشجویی ایران: روند و فرجام (۱۳۵۹-۱۳۰۴) (رساله دکتری). دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Badiou, A. (2009). *Logics of worlds* (A. Toscano, Trans.). London: Continuum International Publishing Group.



- Deleuze, G. (1969). *The logic of sense* (M. Lester, & Ch. Stivalc, Trans.). London: The Athlone Press.
- Gómez, A., Puigvert, L., & Flecha, R. (2011). Critical communicative methodology: Informing real social transformation through research. *Qualitative Inquiry*, 17(3), 235-245. doi: 10.1177/1077800410397802
- Golkar, S. (2012). Cultural engineering under authoritarian regimes: Islamization of universities in postrevolutionary Iran. *Digest of Middle East Studies*, 21(1), 1-23. doi: 10.1111/j.1949-3606.2012.00124.x
- Golkar, S. (2015). *Captive society: The Basij Militia and social control in Iran*. New York: Columbia University Press.
- Glynos, J., & Stavrakakis, Y. (2008). Lacan and political subjectivity: Fantasy and enjoyment in psychoanalysis and political theory. *Subjectivity*, 24(1), 256-274. doi: 10.1057/sub.2008.23
- Maffesoli, M. (1991). The ethic of aesthetics. *Theory, Culture & Society*, 8(1), 7-20. doi: 10.1177/026327691008001002
- Maffesoli, M. (2004). Everyday tragedy and creation: Translated from the French by Karen Isabel Ocaña. *Cultural Studies*, 18(2-3), 201-210. doi: 10.1080/0950238042000201482
- Mohammadi, M. (2007). Iranian university students' politics in the post-reform movement era: A discourse analysis. *Iranian Studies*, 40(5), 623-634. doi: 10.1080/00210860701667704
- Razavi, R. (2009). The cultural revolution in Iran, with close regard to the universities, and its impact on the student movement. *Middle Eastern Studies*, 45(1), 1-17. doi: 10.1080/00263200802547586
- Rancier, J. (2010). *Dissensus: On politics and aesthetics* (S. Corcoran, Trans.). London: Continuum International Publishing Group.
- Sobrinho, B. J. (2001). *Signs, solidarities, and sociology: Charles S. Peirce and the pragmatics of globalization*. United States of America: Rowman & Littlefield.



فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران

۱۷۸

دوره ۱۲، شماره ۳

پاییز ۱۳۹۸

پیاپی ۴۷